عوامل و موانع استجابت دعا

محمود اکبری

مسئله استجابت دعا از مسائل قطعی در همه ادیان الهی است. قرآن می فرماید:

«وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ.»[1]

چون بندگان من از تو درباره من بپرسند، همانا من به آنها نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می دهم.

به عبارت دیگر، سنت الهی بر آن تعلق گرفته است که برخی از امور را از طریق دعا و درخواست به انسان عنایت فرماید و این راه را برای همه بندگان قرارداده است؛ اما این به معنای آن نیست که هر بن�

چون بندگان من از تو درباره من بپرسند، همانا من به آنها نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می دهم.

به عبارت دیگر، سنت الهی بر آن تعلق گرفته است که برخی از امور را از طریق دعا و درخواست به انسان عنایت فرماید و این راه را برای همه بندگان قرارداده است؛ اما این به معنای آن نیست که هر بنده ای هرچه به هرشکل و در هرشرایطی درخواست کند تماماً مطابق خواست او اجابت شود؛ زیرا اجابت دعاامری قانونمند و مشروط به شرایطی است که در دو بحث جداگانه در این مقاله به آن اشاره شده است.

الف ـ عوامل استجابت دع

1. مخالف نبودن دعا با نظام تکوین

اولین شرط دعا این است که نباید بر خلاف نظام تکوین و تشریع باشد؛ به سخن دیگر، نباید با خلقت و آفرینش و قوانین الهی و دینی مخالف باشد؛ مثلاً از سنن تکوینی این است که دنیا محل زندگانی موقت انسان‌ها است و هر انسانی پس از مدتی این دنیا را وداع خواهد گفت و به دیار آخرت ـ که سرای جاویدان است ـ خواهد شتافت. حال اگر انسانی از خدا بخواهد در دنیا عمر جاویدان داشته باشد، برخلاف سنن تکوینی گام برداشته و دعای او قابل استجابت نیست؛ چرا که خداوند دنیا را محلی برای زندگی موقت و آخرت را محلی برای زندگی جاویدان و همیشگی قرار داده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

هیچ شخصی خدا را نمی خواند مگر اینکه اجابت می کند و بلا را از او برطرف می سازد، به طوری که گاه خود او نمی داند یا آن را به صورت ثواب فراوانی برای روز نیازش (قیامت) ذخیره می کند و هرگاه چیزی را که بندگان تقاضا می کنند و مصلحت آنها نباشد مستجاب نمی کند.[1]

2 . تلاش و کوشش

دومین شرط استجابت دعا، توأم گشتن آن با عمل و تلاش است. علی علیه السلام می فرماید:

»اَلدّاعی بلاعمل کَالرّامی بلا وتر.« [2]

دعا کننده بدون عمل و تلاش همانند تیر اندازه بدون زه و چله کمان است.

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم خطاب به اباذر فرمود:

» مثل الذی یدعوا بغیر عمل کمثل الذی یرمی بغیر وتر.«[3]

مثل کسی که بدون عمل دعا می کند، همانند کسی است که بدون زه و چله کمان تیراندازی می کند.

با توجه به اینکه زِه، عامل حرکت و وسیله پیش راندن تیر به سوی هدف است، نقش عمل و تلاش در دعا روشن می گردد. بنابراین، دعا نمی تواند جای تلاش و برنامه ریزی را در زندگی بگیرد؛ بلکه می تواند کامل‌کننده آن باشد.

3 . اضطرار و قطع امید از عوامل ظاهری

سومین شرط اجابت دعا آن است که انسان از عالم اسباب به کلی چشم برگیرد و قلب و روحش را در اختیار خدا قرار دهد و همه چیز را از آنِ اوبداند و حل هر مسئله ای را به دست او ببیند. هنگامی که چنین دیدی پیدا کند، دعایش مستجاب می شود. وقتی کسی تمام درهای عالم اسباب را به روی خود بسته بیند و از هر نظر درمانده و مضطر گردد، آن هنگام است که خداوند نور امید را در دل او روشن می کند. قرآن می فرماید:

»أَمَّن یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ.«[4]

آوردن قید اضطرار در آیه برای آن است که در حال اضطرار، دعای دعاکننده از حقیقت برخوردار است؛ چون تا وقتی انسان مضطر نشود دعای او حقیقت و واقعیت ندارد.

آوردن قید »اذا دعاه« در آیه فوق برای آن است که بفهماند وقتی دعا را مستجاب می کند که دعا کننده به راستی او را بخواند، نه اینکه در دعا به خدا رو کند؛ اما به اسباب ظاهری دل ببندد. بنابراین، دعای انسان زمانی مستجاب می شود که بداند هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند گره از کارش بگشاید.[5]

مرحوم علّامه طباطبایی با استفاده از دو آیه شریفه »وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ«[6] و »ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ«[7] می فرماید: دراستجابت دعا دو چیز لازم است: 1. طلب و خواستن حقیقی که از لفظ ادعوا استفاده می شود؛ 2. فقط از خداوند بخواهد که از لفظ »عنّی« در آیه دیگراستفاده می شود.[8]

بنابراین، اگر کنار دعا به اسباب دیگر اعتماد کند، از خدا نخواسته و کلمه عنّی محقق نشده است.

4 . ایمان و عمل صالح

چهارمین شرط استجابت دعا، ایمان به خداوند و عمل صالح است. قرآن می فرماید:

» وَیَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَیَزِیدُهُم مِن فَضْلِهِ.«[9]

خداوند درخواست کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده انداجابت می کند و از فضلش بر آنها می افزاید.

5 . مدح و ثنای خداوند

پنجمین شرط استجابت دعا، مدح و ثنای پروردگار قبل از دعا کردن است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

» اِیّاکُم اَن یُسئَل اَحَدکم ربّه شَیئاً مِن حوائج الدنیا و الاخرة حتّی یَبدَء بِالثناءعَلَی اللّه وَ المِدحَة لَه و الصَلاةُ عَلَی النّبی و آله... .«[10]

مبادا هیچ یک از شما از خدا تقاضایی کند مگر اینکه نخست حمد و ثنای او رابه جا آورد و بر پیامبر و آل او درود بفرستد، سپس دعا نماید.

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

»لا یُرَدُّ دُعاءٌ اَوَّلُهُ بِسم الله الرحمن الرحیم.«[11]

دعایی که با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز شود رد نمی شود.

6 . پاک بودن از حق الناس

ششمین شرط استجابت دعا، پاک بودن از حق الناس است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

» اِذا اراد اَحَدُکم اَن یُستجابَ لَه فَلیُطیب کسبه و لِتخرج من مَظالم النّاس و اِنَ اللّه لا یَرفع الله دعاء عبدٍ وَ فی بَطنِه حرام او عِندَه مَظلمهْْ لِاَحَد مِن خَلقِه.«[12]

زمانی که یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود باید کسبش حلال وپاکیزه باشد و از ظلم به مردم خارج شود؛ زیرا خداوند دعای بنده ای را که درشکمش حرام وجود دارد یا حق الناس بر گردنش باشد مستجاب نخواهد کرد.

7. گفتن ذکرهای خاص

هفتمین شرط استجابت دعا، گفتن ذکرهای خاص است. امام صادق علیه السلام فرمود:

» من قال یا الله یا الله عشر مرات قیل له لبیک ما حاجتک؟«[13]

کسی که ده بار یا الله یا الله بگوید، به او گفته می شود: لبیک، چه حاجتی داری؟

حضرت در روایت دیگری فرمود:

»من قال عشر مرات یا رب یا رب قیل له لبیک ما حاجتک؟«[14]

کسی که ده بار یا رب یا رب بگوید به او گفته می شود: لبیک، حاجتت چیست؟

در حدیثی از پیامبر گرامی(ص) آمده است: شخصی در محضرش دعا می کرد ومی گفت: »یا ذالجلال و الاکرام؛ ای خداوندی که صاحب جلال و اکرامی!« پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

»قد استجیب لک فَسَل .«

اکنون که خدا را به این نام خواندی دعایت مستجاب شد، هرچه می خواهی بخواه.[15]

در حدیث دیگری آمده است: پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم مردی را مشاهده کرد که ایستاده و مشغول نماز است، بعد از رکوع و سجود و تشهد دعا کرد. در دعایش چنین گفت: »اللهم انی اسئلک بِاَنَّ لک الحمد لا اله الا انت وحدک لاشریک المنان بدیع السموات و الارض یا ذالجلال یا حی یا قیوم«، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

این مرد، خدا را به نام عظیمی خواند که هرگاه به آن دعا شود خداوند اجابت می کند و اگر به وسیله آن سؤال کند، عطا می فرماید.[16]

بعضی از مفسران نقل کرده اند که ذکر »یا مَلیک« و »یا مقتدر« تأثیر عمیقی در اجابت دعا دارد.[17]

8. اصرار در دعا

اصرار در دعا، هشتمین شرط استجابت دعا است . امام باقرعلیه السلام می فرماید:

» والله لا یلح عبدٌ مؤمن علی الله عزوجل فی حاجهْْ الا قضاها له.«[18]

به خدا قسم! اصرار نمی ورزد بنده مؤمن بر خداوند متعال برای حاجتی مگراینکه آن را برآورده می سازد.

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

» رحم الله عبداً طلب من الله عزوجل حاجهْْ فَاَلح الدعاء استجیب له او لم یستجیب.«[19]

خدا رحمت کند بنده ای را که از خداوند متعال حاجتی را درخواست کند و برآن اصرار ورزد، چه حاجتش برآورده شود و چه برآورده نشود.

9. توسل به اولیای الهی

وسیله قرار دادن کسانی که می توانند میان ما و خداوند واسطه شوند، نقش مهمی در اجابت دعا دارد. هرکس به هر مقداری که نزد خداوند آبرومند است می تواند وسیله انسان در درگاه الهی برای رسیدن به حاجت‌ها باشد و در امراستجابت دعا وساطت نماید. معصومین علیهم‌السلام برترین کسانی هستند که از وجاهت و آبرومندی نزد خداوند برخوردارند. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

»خداوند عزوجل می فرماید: ای بندگان من! گرامی ترین خلق و پر فضیلت ترین آنان نزد من محمد و علی و امامان بعد از وی هستند. اینان وسیله هایی به سوی من هستند. هرکس حاجتی دارد مرا به محمد و آل طاهرینش بخواندتا به نیکوترین وجه حاجت او را برآورم.«

10. معرفت الهی

دهمین شرط استجابت دعا، شناخت و معرفت خدا است‌؛ یعنی انسان باور داشته باشد همه چیز به دست خداوند متعال است و مؤثر اصلی در جهان هستی فقط او است. عزت و قدرت و... به دست او است. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

»یقول الله عزوجل: مَن سَأَلنی وَ هُوَ یَعلَمُ اَنّی اضُرُّ وَ أنفَعُ أستَجیبُ لَه.«[20]

خداوند می فرماید: هرکس از من سؤال کند و بداند ضرر و نفع به دست من است، دعای او را مستجاب می نمایم.

11. حضور قلب

یازدهمین شرط استجابت دعا، حضور قلب است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

» اِنَّ اللّه لا یَستجیبُ دُعاءً بِظَهرِ قَلبٍ ساهٍ فاِذا دَعَوَت فَاقبَلَ بِقَلبِکَ ثُمَّ استیقن الاجابَهَْْ.«[21]

خدا دعایی را که از دل غافل برخاسته باشد مستجاب نمی کند، پس هرگاه دعا می کنی، دل خود را متوجه خدا کن و به اجابت یقین داشته باش.

12. دعای جمعی

دوازدهمین شرط استجابت دعا، دعای جمعی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

» ما اجتَمَعَ أربَعَهٌْْ قَطُّ عَلی أمرٍ فَدَعُوا اللّه اِلّا تَفَرَّقُوا عَن اِجابَهٍْْ.«[22]

هرگاه چهار نفر برای دعا جمع شوند و دعا کنند [بدانند] که دعای ایشان مستجاب شده است.

13. مقدم داشتن دیگران بر خویشتن

امام صادق علیه السلام فرمود:

» مَن قَدَّمَ فِی دُعائِه أَربَعینَ مِن المُؤمِنینَ ثُمَّ دَعا لِنَفسِهِ أُستَجیبُ لَه.«[23]

هرکس چهل مؤمن را مقدم دارد و ابتدا برای ایشان و سپس برای خود دعا کند، دعایش مستجاب می شود.

امام باقرعلیه السلام فرمود:

»أسرَعُ الدعا نجاحاً لِلاجابَةِ دُعاءُ الاخِ لاِخیه بِظهرِ الغَیبِ بَیَدأُ بِالدُّعاء لِاَخیهِ فَیَقُولُ لَهُ مَلِکٌ مُوَکِّل آمینَ وَ لَکَ مِثلَما.«[24]

نزدیک ترین دعاها به اجابت، دعای مؤمنی است که برای برادر مؤمن خود درغیاب او دعا کند. پس فرشته موکل [دعای] او می گوید: آمین، خدا دو برابرآنچه برای برادر خود خواستی به تو عطا فرماید.

14. دعا هنگام برخورداری از نعمتها

امام صادق علیه السلام فرمود:

» مَن سَرَّهُ اَن یُستَجابَ لَهُ فِی الشِّدَّهِْْ فَلیُکثِر الدُّعاءَ فِی الرَّخاء.«[25]

هرکس دوست دارد در سختی ها دعایش مستجاب گردد، هنگام فراوانی نعمت و آسایش بسیار دعا کند.

15. صلوات بر محمد و آل محمدعلیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

» مَن دَعا وَ لَم یَذکُر النَّبی صلی الله علیه وآله وسلم رَفرَفَ الدُّعاءُ عَلی رَأسِهِ فَاِذا ذَکَرَ النَّبی صلی الله علیه وآله وسلم رَفَعَ الدُّعاءُ.«[26]

هرکس دعا کند و پیغمبر را یاد ننماید (بر او درود نفرستد) دعا بالای سرش بال می زند و چون صلوات بفرستد بالا می رود.

16. دعا و ارتباط مداوم با خدا در هر حال

امام صادق علیه السلام می فرماید:

»کسی که در دعا پیش دستی نکند و فقط در وقت نزول بلا دست به دعا بردارد دعایش در آن وقت مستجاب نگردد و فرشتگان گویند: این آواز را نمی‌شناسیم.«[27]

در روایت دیگری آمده است که به او می گویند: تا امروز کجا بودی؟

خداوند به حضرت داودعلیه السلام فرمود:

»مرا در روزهای خوش و آسایش یاد کن تا من دعای تو را در روزهای گرفتاری و سختی اجابت کنم.« [28]

17. خوش بین بودن به اجابت دعا

هفدهمین شرط استجابت دعا، حسن ظن کامل و اعتماد به خداوند است؛ یعنی دعا کننده تردید نداشته باشد که حاجت او به اندازه ای است که درمقابل قدرت خداوند ناچیز است و به طور حتم برآورده می شود. امام سجادعلیه السلام در یکی از دعاهایش می فرماید:

» فَنادَیتک واثِقاً بِسُرعَهِْْ اجابَتِک.«[29]

پس تو را خواندم در حالی که به اجابت سریع تو اطمینان داشتم.

حضرت در فراز دیگری می فرماید:

» وجدتک... لمطالبی معطیا.«[30]

تو را برای خواسته هایم بخشنده یافتم1 . تفسیر نمونه، ج 2، ص 153.2 . نهج البلاغه، قصار 337.3 . عین الحیاة، ص 131.4 . نمل / 62.5 . المیزان، ج 15، ص 381.6 . بقره / 186.7 . غافر / 608 . المیزان، ج 2، ص 30.9 . شوری / 26.10 . سفینة البحار، ج 1، ص 446؛ کافی، ج 4، ص 253.11 . بحارالانوار، ج 93، ص 213.12 . عدة الدعی، ص 128؛ بحارالانوار، ج 93، ص 273.13 . محجة البیضاء، ج 2، ص 276.14 . همان.15 . درالمنثور، ج 6، ص 153؛ تفسیر نمونه، ج 23، ص 188.16 . تفسیر برهان، ج 4، ص 272؛ نمونه، ج 12، ص 188.17 . تفسیر نمونه، ج 23، ص 87.18 . میزان الحکمه، ج 2، ص 77؛ آثار الصادقین، ج 6، ص 97.19 . عدة الداعی، ابن فهد حلی، ص 169.20 . بحارالانوار، ج 93، ص 368.21 . بحارالانوار، ج 93، ص 305.22 . بحارالانوار، ج 93، ص 340.23 . بحارالانوار، ج 93، ص 384.24 . بحارالانوار، ج 93، ص 687.25 . بحارالانوار، ج 93، ص 382.26 . عین الحیاة، ص 143.27 . کافی، ج 4، ص 219.28 . بحارالانوار، ج 93، ص 381.29 . فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه، ج 1، ص 78.30 . همان، ص 508

ب ـ موانع استجابت دع

در روایات، موانعی برای استجابت دعاها ذکر شده، برخی از آنها به شرح زیر است:

1. گناه

یکی از موانع استجابت دعا، گناه است. امام علی علیه السلام فرمود:

» المعصیة تمنع الاجابهْْ.«[1]

گناه مانع اجابت دعا است.

در فرازی از دعای کمیل می خوانیم:

» اللهم اغفِر لِی الذُّنُوبَ الَّتی تَحبِسُ الدُّعاء.«

خدایا! ببخش گناهانی را که مانع استجابت دعا می شود.

در بعضی از روایات، گناهان متعددی به عنوان موانع استجابت دعا ذکرشده؛ همچون حرام خواری، بدزبانی و... .[2]

امام سجادعلیه السلام فرمود:

»گناهانی که دعا را باز می گرداند و مانع اجابت می شوند عبارت‌اند از: بددلی وسوءظن به مؤمنان، دورویی، بدزبانی و فحاشی.«[3]

همچنین فرمود:

» از جمله گناهانی که مانع اجابت دعا می گردد، نافرمانی و رنجاندن پدر و مادراست.«[4]

امام سجادعلیه السلام برخی از گناهانی را که مانع استجابت دعا می شود در حدیثی نام برده و می فرماید:

» الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ الدُّعاء سوءُ النیَّهِْْ وَ خُبثُ السَّریرَهِْْ وَ النِّفاقُ مَعَ الاخوان وترک التَّصدیق بِالاِجابَهِْْ وَ تأخیر الصلوات المفروضات حتی تذهب اوقاتها وترک التقرب الی الله عزّوجلّ بِالبِرِّ وَ الصَّدَقَهِْْ و استعمال البذاء و الفحش فی القول.«[5]

گناهانی که دعا را از اجابت باز می دارند عبارت‌اند از: بدبینی، خبث باطن، دورویی با برادران، باور نداشتن به اجابت دعا، به تأخیر انداختن نمازهای واجب تا آنکه وقتشان بگذرد، تقرب نجستن به خدای عزوجل با نیکوکاری و صدقه و بدزبانی و زشت‌گویی.

2. غفلت

دعا در صورتی مؤثر است که انسان به خدا توجه داشته باشد. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

» واعلموا اَنَّ اللّه لایقبل دعاء عن قلب غافل.«[6]

بدانید! خداوند دعایی که از قلب غافل برخاسته باشد قبول نمی کند.

3. حرام خواری

در روایات آمده است که خوردن غذای حرام جلوی استجابت دعا را می گیرد. شخصی خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم رفت و عرض کرد: »احبّ ان یستجاب دعایی؛ دوست دارم دعایم به اجابت برسد«، حضرت فرمود:

» طهّر مأکلک و لا تدخل بطنک الحرام.«

غذای خود را پاک کن و غذای حرام در معده ات وارد مکن[7]

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

» من احب ان یستجاب دعائه فلیطب مطعمه و مکسبه.«[8]

کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود باید غذا و کسب خود را پاک کند.

در حدیث قدسی آمده است:

» فمنک الدعاء و عَلَی الاجابهْْ فلا تَحجب عَنّی دَعوَهْْ اِلا دَعوهْْ آکِلُ الحَرام.«[9]

از تو دعا کردن است و بر من است اجابت آن، پس دعایی از من محجوب نمی شود الا دعای حرام خوار.

در حدیث قدسی آمده است:

» لا تحجب عنّی دعوهْْ الّا دعوهْْ آکل الحرام.«[10]

هیچ دعایی از من پوشیده نمی ماند مگر دعای حرام خوار.

4. عمل نکردن به پیمان‌های خداوند

کسی که به عهد خویش در برابر پروردگارش وفا نکند نباید انتظار داشته باشد که مشمول وعده اجابت دعا از ناحیه پروردگار باشد. شخصی از امام علی علیه السلام از عدم استجابت دعایش شکایت کرد و گفت: خدا فرموده دعاکنید، من اجابت می کنم، پس چرا ما دعا می کنیم و به اجابت نمی رسد؟

حضرت فرمود:

» ان قلوبکم خان بثمان خصال: اولها انکم عرفتم الله فلم تؤدو حقه کما اوجب علیکم فما اغنت عنکم معرفتکم شیئا؛ والثانیهْْ انکم آمنتم برسوله ثم خالفتم سنته و اَمِتم شریعته فاین ثمرهْْ ایمانکم؛ والثالثهْْ انکم قرأتم کتابه المنزل علیکم فلم تعلموا به و قلتم سمعنا و اطعنا ثم خالفتم؛ والرابعهْْ انکم قلتم تخافون من النار و انتم فی کل وقت تقدمون الیها بمعاصیکم فاین خوفکم؟والخامسهْْ انکم قلتم ترغبون فی الجنهْْ و انتم فی کل وقت تفعلون ما یباعدکم منها فاین رغبتکم فیها؟ والسادسهْْ انکم اکلتم نعمهْْ المولی فلم یشکروا علیها؛والسابعهْْ ان الله امرکم بعداوهْْ الشیطان و قال ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدواً فعادیتموه بلاقول و والیتموه بلا مخالفهْْ؛ والثامنهْْ انکم جعلتم عیوب الناس نصب اعینکم و عیوبکم وراء ظهورکم تلومون من انتم احق باللوم منه فای دعائی یستجاب لکم مع هذا و قد سددتم ابوابه و طرقه فاتقوا الله واصلحوا اعمالکم و اخلصوا سرائرکم و أمروا بالمعروف و انهوا عن المنکرفیستجب لکم دعائکم.«[11]

دل‌های شما به هشت خصلت خیانت کرده است:

1. شما خدا را شناخته اید؛ اما حق او را ادا نکرده اید؛ به همین دلیل، شناخت شما به حالتان سودی ندارد.

2. شما به فرستاده او ایمان آورده اید، سپس با سنتش به مخالفت برخاسته اید، پس ثمرة ایمان شما کجا است؟

3. کتاب او را خوانده اید؛ ولی به آن عمل نکرده اید، گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم سپس به مخالفت برخاستید.

4. شما می گویید که از آتش دوزخ می ترسید، در حالی که در هر لحظه باگناهان‌تان به آن روی می آورید.

5. شما می گویید به پاداش الهی علاقه دارید‌؛ اما همواره کاری انجام می دهیدکه شما را از آن دور می سازد.

6. نعمت خدا را می خورید و حق شکر او را ادا نمی کنید.

7. به شما دستور داده دشمن شیطان باشید و شما ادعای دشمنی با شیطان دارید؛ اما عملاً با او مخالفت نمی کنید.

8. شما عیوب مردم را نصب العین خود ساخته و عیوب خود را پشت سرافکنده اید، با این حال چگونه انتظار دارید دعای‌تان به اجابت برسد در حالی که خودتان درها و راه‌های آن را بسته اید. تقوا پیشه کنید، اعمال خویش رااصلاح نمایید و امر به معروف و نهی از منکر کنید تا دعای شما مستجاب شود.[12]

حدیث فوق با صراحت می گوید وعده خداوند به اجابت دعا، یک وعده مشروط است نه مطلق. استجابت دعا مشروط به این است که به وعده ها وپیمان‌های خود عمل کنید.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند می فرماید »مرا بخوانید تادعاهای شما را مستجاب کنم«، پس چرا با این که خداوند را می خوانیم دعای‌مان مستجاب نمی شود؟ حضرت فرمود:

» لَاَنَّکُم لا تُوفُونَ الله بِعَهدِه وَ اِنَّ الله یقول: اُوفُوا بعهدی اُوف بِعَهدِکُم.«[13]

چون شما به عهد الهی وفا نمی کنید و خداوند می فرماید: به عهد خود وفا کنیدتا من هم به عهدم وفا کنم.